



روز بزرگداشت ادیب و عارف شهیر "شیخ فرید الدین عطار نیشابوری"

تهلد خانم "ژرژ ساند" نویسنده معروف فرانسوی (1804م) آورو دوپن بارون دو دووان معروف به ژرژ ساند، بانوی داستان‌نویسی فرانسوی در سیزدهم آوریل 1804م در پاریس به دنیا آمد. وی پس از مرگ پدر به مدرسه شبانه روزی رفت و در آن‌جا تعداد فراوانی از آثار نویسندگان را مطالعه نمود. ژرژ ساند در جوانی کتاب‌های سرخ و سفید و داستان‌های پندآموز را نگاشت و با انتشار آن به شهرت رسید. با این حال چاپ کتاب دیگر وی به نام للیا، به دلیل مبارزه با برخی عقاید جامعه، با جنجال فراوان و حمله شدید مخالفان مواجه گشت. ژرژ ساند در طی سال‌های متمادی در جستجوی عشق به ازدواج‌های متعدد تن داد. عشق در نظر او مترادف با زندگی بود و نه تنها خوشبختی را در برداشت بلکه حق مسلم و والای بشر و حتی آیین الهی به شمار می‌آمد تا حدی که ژرژ ساند همه اقدامات را درباره عشق، مجاز و قانونی می‌دانست. وی هم‌چنین جامعه را مسئول همه معایب و بدی‌های فرد می‌دانست؛ شمرده و تنها عشق را برای تغییر جامعه و فروریختن دیوارهای طبقات اجتماعی و برقراری برابری جهانی قادر می‌دانست. آثار فراوان داستان و نمایشی ژرژ ساند سراسر زندگی او را از شهرت و پیروزی برخوردار ساخت و تا نیم قرن پس از مرگش ادامه یافت. ژرژ ساند داستان‌نویس ستایش‌شده‌ای است که به آسانی می‌توانست طرح‌مانی را بریزد و عشق را که به عنوان اصل واحد و کامل زندگی پذیرفته بود تنها موضوع داستان‌هایش قرار دهد، داستان‌هایی که می‌توان گفت خالی از برجستگی خاص و ابداع فکری و تنوع است. اما نکته انکارناپذیر این که، ژرژ ساند اولین زنی است که از تجربه‌های زنانانه‌اش در کار ادبی سود برده است و پس از او، در واقع، بیشتر شخصیت خود او استوار مانده است تا آثارش. از ژرژ ساند آثار متعددی بر جای مانده که هفت تار چنگ، مرداب شیطان، سرگذشت من در 20 جلد، مکاتبات در 6 جلد و اقتصاد بشری از جمله مهم‌ترین آثار آن است. ژرژ ساند سال‌های آخر عمر را در ملک خود که موسوم به نوهان بود گذراند تا این که در 20 اکتبر 1876م در 72 سالگی درگذشت.

اشغال اتریش توسط نیروهای متفقین، در اواخر جنگ جهانی دوم (1945م) اما چندی قبل از آغاز جنگ، اتریش را ضمیمه خاک آلمان اتریش پس از جنگ جهانی دوم، کشوری مستقل بود، اما چندی قبل از آغاز جنگ، اتریش را ضمیمه خاک آلمان نمود و سربازان اتریشی نیز به نفع آلمان وارد جنگ شدند. در آوریل 1945م، پس از عقب‌نشینی آلمان از اتریش و اشغال آن توسط دولت‌های متفق، اتریش به چهار منطقه تجزیه شد که هر منطقه توسط یکی از دولت‌های آمریکا، شوروی، انگلیس و فرانسه اداره می‌گردید و وین پایتخت اتریش، تحت اداره مشترک چهار دولت قرار داشت. ده سال بعد، در سال 1955م بین چهار کشور اشغال‌گر و دولت اتریش، قراردادی به امضا رسید که به موجب آن، بی‌طرفی و استقلال اتریش تضمین شده و نیروهای چهار کشور اشغال‌کننده، خاک اتریش را تخلیه خواهند کرد. تخلیه نیروهای اشغال‌گر در سال 1955م پس از ده سال آغاز شد و از آن پس اتریش بی‌طرفی خود را در مناقشات بین‌المللی حفظ نمود.

اندیشه‌های سیاسی جفرسون، تساوی حقوق و تبدیل حکومت‌ها به دموکراسی بود. به نظر او، حکومت دموکراسی تنها حکومتی است که نمی‌تواند چه در ظاهر و چه در باطن برای همیشه با حقوق مردم ستیزه کند. فلسفه او بر پایه اصل اعتماد متقابل نهاده شده است. از دید جفرسون، به دلیل این که برخی غیرقابل اعتمادند نباید همه را نامعتمد به شمار آورد. توماس جفرسون 18 سال آخر عمر را در ملک شخصی خود به نویسندگی، کشاورزی و نواختن موسیقی پرداخت تا این که در چهارم ژوئیه 1826م در 83 سالگی درگذشت.